

گفتمان کاوی برنامه معرفتی تلویزیون؛ مورد مطالعه: مجله علوم انسانی زاویه

مهرزاد بهمنی^۱، سیدمحمد مهدی زاده^۲،
سیدجمال الدین اکبرزاده جهرمی^۳

چکیده

رسانه‌ها در صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه، نقش محوری ایفا می‌کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ‌سازی به اجرا می‌گذارند. در این مقاله با تمرکز بر متون تولیدی برای مخاطب نخبه، تلاش شده است، محتوای مختص برای این گونه از مخاطبان، مورد واکاوی قرار گیرد و نحوه بازنمایی مباحث فکری و اندیشگانی که از دغدغه‌های فکری مخاطب نخبه است؛ تحلیل شود. همچنین در پی آن هستیم؛ نشان دهیم در برنامه گفتگو محور تلویزیون، سازوکار صورت‌بندی آگاهی برای مخاطب نخبه چگونه است و سوژه‌های متکثر و نظام‌های فکری آن‌ها چگونه بازنمایی گفتمانی می‌یابد. به دیگر سخن، آیا از متون رسانه‌ای شده از شبکه فرهیختگان صداوسیما - شبکه چهار سیما -، صداهای مختلفی انعکاس می‌یابد و در نهایت بررسی خواهد شد در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، گفتمان‌های معاصر ایران در تقابل با یکدیگر، چگونه معرفی می‌شوند. بدین منظور مجله تصویری زاویه به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده و با روش تحلیل گفتمان - رویکرد لاکلا و موف - ۴۳ قسمت از این مجموعه تلویزیونی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۰ بررسی شده است. مهم‌ترین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان غالب متون مورد بررسی، گفتمان اسلام سیاسی است. این گفتمان با مفصل‌بندی دال‌هایی چون احیای تمدن اسلامی، اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی، عقل‌گرایی اجتهادی، جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، تقابل با غرب و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، گفتمان انقلاب اسلامی را بازتولید و تثبیت می‌کند و به این شیوه با مداخله هژمونیک در گفتمان‌های رقیب به مشروعیت‌بخشی این گفتمان نزد سوژه‌ها می‌پردازد.

واژگان کلیدی

مخاطب نخبه، سوژه، گفتمان مسلط، گفتمان معارض، اسلام سیاسی، گفتمان لیبرال - دموکراسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

۳. استادیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

mehrsa.bahmani@gmail.com

mahdizadeh45@yahoo.com

jahromijamal@gmail.com

مقدمه

چیستی و کیستی انسان‌ها در دیدگاه‌های حاضر، ازجمله مطالعات جامعه‌شناختی، پدیده‌ای سیال و متحرک است که متأثر از نظام‌های فرهنگی پیرامون شکل می‌گیرد. از آنجایی که سوژگی معطوف به آگاهی و نظام دانش است و درجه‌ای از خودآگاهی را در خود دارد؛ باز نمودهای بیرونی در شکل‌گیری آن مؤثر است. به عبارت دقیق‌تر، اینکه دانش در کنترل کیست و ماهیت آن چگونه تعیین می‌شود؛ فرایند برساخت سوژه را تعیین می‌کند. اعمال گفتمانی و تنظیم کردارهای گفتمانی، هدایت‌گر چنین فرایندی است؛ بر همین اساس، سوژگی دیگر پل شناخت متقن و خودبسنده‌گی یا خوداتکایی در شناخت، قلمداد نمی‌شود و مؤلفه‌ها و نهاد‌های گوناگون در این فرایند، عاملیت دارند.

فوکو^۱ در این زمینه، صورت‌بندی دانایی و شناخت را اراده‌ای معطوف به قدرت تلقی می‌کند؛ لاکان^۲ آن را منتسب به دیگری بزرگ می‌داند و آلتوسر^۳ از سازوبرگ‌های ایدئولوژیک نام می‌برد. سازوبرگ‌هایی که سوژه را در ساختارهای اجتماعی و سیاسی تعیین می‌بخشند. در همین زمینه لاکان^۴ و موفه^۵ بر این عقیده‌اند که گفتمان‌های هژمونیک بر تفاوت‌ها سرپوش می‌نهند و با قدرت نرم، کردارها و کنش‌های گفتمانی مورد انتظار خود را تجویز می‌کنند. در این رویکرد، قدرت‌ها نمی‌توانند صرفاً از سوی ائتلاف واحدی مانند دولت یا طبقه خاصی تولید شوند؛ بلکه به پذیرش عمومی نیاز دارند تا بازتولید و حفظ شوند. سوژه‌ها را گفتمان‌ها شکل می‌دهند و از آنجاکه مبارزه میان گفتمان‌ها مبارزه برای تثبیت معنا در نزد سوژه‌ها است، گفتمان‌ها با ابزارهایی که در اختیار دارند مشروعیت و مقبولیت نزد سوژه‌ها را دستکاری می‌کنند. وقتی معنای یک گفتمان در ذهن سوژه تثبیت شد، آنگاه آن گفتمان کل رفتار و گفتار سوژه‌ها را در اختیار خود می‌گیرد و به واسطه این امر، همچنان تلاش می‌کند گستره معنایی خود را افزایش دهد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۶۲). یکی از ابزارهای که گفتمان‌ها از آن‌ها بهره می‌برند؛ رسانه‌ها هستند در واقع، فرهنگ با تعریف غیریت‌ها، مرزبندی‌ها را مشخص و نحوه برخورد با محیط را تعیین می‌کند. رسانه‌ها با دسترسی^۶ دادن به جهان‌بینی‌ها و نظام معنایی برخاسته از آن، اهداف گفتمانی را پیگیری می‌کنند. فرکلاف^۷

1. Foucault

2. Lacan

3. Althusser

4. Laclau

5. Mouffe

6. access

7. Fairclough

این مسئله را با مفهوم قدرت پشت گفتمان^۱ توضیح می‌دهد و معتقد است؛ توان تثبیت معنا و مسلط شدن گفتمان، به قدرتی منوط است که پشت گفتمان کنشگری می‌کند و عموماً با عنوان قدرت نرم که رسانه نیز جزوی از آن است، شناخته می‌شود. با این وجود، مرجعیت معنایی گفتمان‌ها، پیوسته از جانب گفتمان‌های رقیب به چالش کشیده می‌شود و در این زمینه اصل پذیرفته شده این است که گفتمان‌ها از خصلت همیشگی و جاودانگی برخوردار نیست و پیوسته کسوف آن محتمل است. این گفتمان باید در نسبت اغیار سازنده، منظومه فکری خود را تعریف و تنظیم کند. مفهومی که در نظریه گفتمان لاکلا و موف، بیرون سازنده^۲ نام می‌گیرد و هویت‌ها، در ارتباط و تمایز با آن‌ها، بر ساخت^۳ می‌شود. دیگری‌هایی که خصلت دوگانه برای گفتمان هژمونیک دارند؛ همچنان که می‌توانند بر اندازانه باشند، کارکرد هویت‌بخشی و قوام‌دهندگی را نیز تأمین کنند (تاجیک، ۱۳۸۶: ۱۳۷). حال با چنین رویه‌ای، دانش و معرفت انسانی و اجتماعی در رسانه‌ای چون تلویزیون، چه صورت‌بندی‌های گفتمانی را به دست می‌دهد. بریگر^۴ معتقد است تلویزیون به‌عنوان تسهیل‌گر هنجارپذیری در جامعه، با ورود به حوزه نشانه‌ها، رمزها و کدهای ارتباطی را در اختیار می‌گیرد و با فن‌ها و رمزهای نشانه‌شناختی، هویت‌های متفاوت و گوناگون را استیضاح^۵ و به بر ساخت سوژه‌ها در جامعه کمک می‌کند و از این رهگذر، ساختارهای حاکم بر آن، با ارزش‌ها و هنجارهایی که از آن جریان دارد، مخاطبان را مورد خطاب قرار می‌دهند (Briggs, 2010: 150). یکی از موقعیت‌های رسانه‌ای که طی آن سوژگی افراد رقم می‌خورد؛ متون معرفتی است که تلویزیون جمهوری اسلامی ایران نیز با سازوکار نظام‌مند آن را پخش می‌کند. این متون از جمله متون تخصصی محسوب می‌شوند که مخاطبان خاص، بیننده آن هستند و عموماً صداوسیما از آن‌ها با عناوینی چون مخاطبان «نخبه» و «فرهیخته» یاد می‌کند. تلویزیون در گام نخست در مواجهه با این متون، تخصصی‌سازی و هویت‌مندی شبکه‌های تلویزیونی را در دستور کار قرار می‌دهد و با راه‌اندازی شبکه‌های اختصاصی - شبکه چهار - فرصت معرفتی گفتمان‌ها^۶ و معرفت‌های آگاهی‌بخش برای مخاطبان با مختصات فرهیختگی را تحقق می‌بخشد. این سازمان رسانه‌ای با تدارک بسته‌های معرفتی، معنایی و شناختی برای مخاطبان نخبه، در پی آن بود که از یک سوی انتقادهایی معطوف به تلویزیون در خصوص سرگرمی محور بودن رسانه تلویزیون را پاسخگو باشد و نشان دهد تلویزیون در حوزه‌های جدی‌تری همچون معرفت نیز

1. power behind discourse
2. constitutive outside
3. construction
4. Briggs
5. interpellation
6. discourse

می‌تواند کنشگری کند و از سوی دیگر از این بستر، گفتمان در تراز با گفتمان انقلاب اسلامی را بازنمایی رسانه‌ای دهد. این متون با دسترسی^۱ دادن به جهان‌بینی و نظام معنایی برخاسته از آن، اهداف گفتمانی را پیگیری می‌کنند. فرکلاف^۲ این مسئله را با مفهوم قدرت پشت گفتمان^۳ توضیح می‌دهد و معتقد است: توان تثبیت معنا و مسلط شدن گفتمان، به قدرتی منوط است که پشت گفتمان کنشگری می‌کند و عموماً با عنوان قدرت نرم که رسانه نیز جزوی از آن است شناخته می‌شود. رد چنین متونی، در شبکه نخبگانی سازمان صداوسیما - شبکه چهار - که محل مناقشات گفتمان‌های متفاوت است؛ مطالعه دقیق و نظام‌مند می‌طلبد. واکاوی و بررسی نظام‌مند محتوای تولید شده برای این مخاطب، زمانی دو چندان می‌شود که یادآور شویم با توجه به ساختار و بافت جامعه ایرانی، مخاطبان فرهیخته در ایران، جزئی از رهبران فکری محسوب می‌شوند و این توانمندی را دارند که با ارتباطات چهره به چهره، مخاطب متوسط و به‌ویژه مخاطب عام را در جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همراه خود سازند.

در این پژوهش با تمرکز بر محتوای تولید شده برای مخاطبان نخبه در صدد هستیم نشان دهیم بسته‌های معرفتی تولید شده برای مخاطبان نخبه، از چه مختصاتی برخوردار است. سازوکار صورت‌بندی آگاهی برای مخاطب نخبه چیست و سوژه‌های متکثر و نظام‌های فکری آن‌ها در این رسانه، چگونه بازنمایی می‌شود.

برای پاسخ به مسئله پژوهش، با تمرکز بر شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران، مجله تصویری زاویه به‌عنوان برنامه نخبگانی که بیش از یک دهه از پخش آن می‌گذرد، انتخاب شده است. این برنامه با توجه به رسالتی که برای آن تعریف شده، بستری را فراهم می‌سازد که تضارب آرا و اندیشه در قالب گفتگو در آن جریان یابد. به این ترتیب در این پژوهش، الگو و راهبردهای دسترسی گفتمان مسلطاً^۴ بررسی خواهد شد، به طوری که با پرداختن به ژرف‌ساخت^۵ متون معرفتی تولید شده و رمزگان جای‌گیری شده در آن، به شیوه نظام‌مند، نشان داده می‌شود؛ در تلویزیون از چه سازوکارهایی بهره گرفته می‌شود تا مشروعیت و مقبولیت گفتمان نزد سوژه‌ها، ممکن شود.

بدین منظور از تحلیل گفتمان^۶ و رویکرد لاکلا و موف بهره گرفته و در چارچوب این

1. access

2. Fairclough

3. power behind discourse

4. dominant discourse

5. deep structure

6. Discourse analysis

نظریه - روش، اهداف پژوهش را بررسی کرده‌ایم. در این مقاله با تمرکز بر محتواهای تولیدی برای مخاطبان فرهیخته سؤالات زیر را پاسخ می‌دهیم.

– گفتمان مسلط چگونه در مجله تصویری زاویه مفصل بندی می‌شود؟

– استراتژی‌های گفتمانی برای بازتولید گفتمان مسلط کدام است؟

– گفتمان‌های معارض در مجله تصویری زاویه کدام‌اند و چگونه شالوده‌شکنی می‌شوند؟

– نزاع‌های گفتمانی چگونه در مجله تصویری زاویه بازنمایی می‌شود و چه اهدافی را پیگیری می‌کنند؟

مفاهیم پژوهش

جدول ۱. مفاهیم پژوهش

مفاهیم	تعاریف
بازنمایی رسانه‌ای	بازنمایی تولید معنا از طریق زبان است. بازنمایی رسانه‌ای ساختی است که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مانند افراد، مکان‌ها، اشیاء، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم را ایجاد می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷).
مخاطب نخبه	مخاطبانی که دارای صاحبان ذهن پیچیده هستند و از تحصیلات به نسبت بالا برخوردارند. آنان دست کم، به شکل غیرمستقیم، تصمیم‌گیران جامعه و سیاستگذاران آن محسوب می‌شوند. به موضوعاتی علاقه دارند که دیدگاه‌ها و تحلیل‌های بی‌طرفانه و کارشناسانه را به همراه دیدگاه مختلف در موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری طرح کند (میرفخرایی، ۱۳۸۵، ۲۸۵-۲۸۲).
برنامه‌های گفتگو محور	برنامه‌ای مرکب از یک نفر مجری کارشناس و حداقل یک نفر کارشناس که طی آن موضوع خاصی در یک زمان و مکان واحد، مورد بحث بررسی و تبادل نظر و تعامل قرار می‌گیرد (معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی دفتر تشکیلات و سیستم‌ها، ۱۳۸۴).
برنامه‌های معرفتی	برنامه‌هایی است که در حوزه معرفت و علوم انسانی ساخته می‌شود. گروه فرهنگ و اندیشه یکی از گروه‌های تخصصی شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی است که به تولید برنامه‌های معرفتی و پخش آن‌ها می‌پردازد.
معنای مرجح	آن معنایی که گفتمان آن را از میان تمام معناها می‌مکن برمی‌گزیند؛ معنای مرجح است. ارزش معناها در یک گفتمان یکسان نیست و همیشه برخی معانی مرجح تر است.
دال مرکزی ^۱	دال مرکزی که نقطه مرکزی نیز نام می‌گیرد، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن انتظام می‌یابند. نقطه مرکزی به دال‌ها و وقته‌های دیگر معنا می‌دهد و انسجام معنایی کل گفتمان حاصل می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۷).

1. representation
2. Nodal point

تعاریف	مفاهیم
دال شناور دالی است که مدلول آن شناور و غیر ثابت است؛ به عبارت دیگر دال شناور دالی است که مدلول‌های متعددی دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند مدلول مورد نظر خود را به آن الصاق کنند و مدلول‌های دیگر را به حاشیه برانند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹).	دال شناور ^۱
لاکلا و موف از انعطاف‌پذیری رابطه میان دال و مدلول استفاده سیاسی می‌کنند و آن را با مفهوم هژمونی ^۲ ، پیوند می‌دهند؛ یعنی اگر بر سر معنای خاصی برای یک دال در جامعه، اجماع حاصل شود؛ به عبارت دیگر، افکار عمومی معنای مشخصی را برای آن هر چند به‌طور موقت بپذیرد و تثبیت نماید، آن دال هژمونیک می‌شود. اگر گفتمان موفق شود نظام معنایی مرجح خود را در اذهان سوژه‌ها تثبیت معنایی کند و رضایت عموم را در حوزه مدنظر خود کسب کند باید گفت گفتمان هژمونیک شده است (Laclau & Mouffe, 1985: 44).	تثبیت معنا
بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موف، مفصل‌بندی تلفیقی از عناصری است؛ به‌طوری‌که این عناصر با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا می‌کنند؛ بنابراین مفصل‌بندی رابطه میان مؤلفه‌ها را تثبیت می‌کند به‌نحوی که هویت مؤلفه‌ها در نتیجه عمل مفصل‌بندی، دستخوش تغییر می‌شود (یورگنسن ^۳ و فیلیپس ^۴ ، ۱۳۸۹: ۵۶).	مفصل‌بندی ^۳
مفصل‌بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی‌محتوایند یعنی به خودی خود بی‌معنایند تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند، ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشانند (گرچی، ۱۳۹۳: ۱۳).	زنجیره هم‌ارزی و تفاوت ^۴
سوژه مفهومی سیال و پویا دارد که هویت خود را از طریق بازنامایی در گفتمان کسب می‌کند و به موقعیت گفتمانی متناسب می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۱).	سوژه
این دو مفهوم با مفهوم تخاصم و غیریت‌سازی ارتباط دارد. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست‌نیافتنی به اطراف خود است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونیک گفتمان است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴).	برجسته‌سازی ^۵ و حاشیه‌رانی ^۶

1. Floating signifiers
2. hegemony
3. articulation
4. Jorgensen
5. Fillips
6. chain of equivalence and difference
7. foregrounding
8. Back grounding

تعاریف	مفاهیم
این مفهوم نقطه مقابل انسداد و توقف است و بر این امر تأکید دارد که برای از بین بردن هژمونی و سلطه یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر وقته به دال شناور فراهم آید و گفتمان‌های رقیب بتوانند در این فضای ناآرام و ملتهب پدید آمده مدلول خاص خود را به دال مرکزی مورد نظر الصاق و نظام معنایی خویش را تثبیت کنند. در شالوده‌شکنی دال‌ها باز تعریف می‌گردند و معنای جدید به آن‌ها نسبت داده می‌شود (کسرائی، ۱۳۸۸: ۳۵۲-۳۵۱).	شالوده‌شکنی ^۱
فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم «ضدیت» و «غیریت» ناممکن است. گفتمان‌ها، اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرد. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است از این رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲).	غیریت‌سازی ^۲

پیشینه پژوهش

مرتبط‌ترین پژوهش‌هایی که با موضوع پژوهش قرابت مفهومی و روشی دارد موارد زیر است: فاطمه حبیبی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در سیمای ملی: مطالعه موردی برنامه صبحگاهی تلویزیون» با روش تحلیل گفتمان و رویکرد لاکلا و موف نشان می‌دهد، برای آنکه یک گفتمان بتواند به‌عنوان مرجعی برای تعیین هویت به حساب آید، لازم است از یک پایداری نسبی برخوردار باشد. تکرار دال‌های گفتمانی خاص در رسانه می‌تواند این پایداری را ایجاد کند. طاهر روشندل اربطانی و مهسا زارع (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کاهش مخاطبان تلویزیون در ایران» در پی شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کاهش مخاطبان تلویزیون جمهوری اسلامی ایران بودند. از مهم‌ترین عوامل محتوایی شناسایی شده در این پژوهش می‌توان به ضعف محتوای برنامه‌ها و عدم بهره‌مندی کافی از چهره‌ها اشاره کرد.

سبحان یحیایی (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود با عنوان «برون ایستادگان قلمرو رسانه‌های رسمی در ایران، مطالعه چپستی، چگونگی و چرایی برون ایستادگی از مرز پیام‌های رسانه‌های دولتی» با روش نظریه بنیاد و تحلیل کیفی تعاملی در پی تحلیل برون ایستادگی مخاطب از رسانه ملی بوده است. طبق نتایج این پژوهش، این مخاطبان، جهانی رسانه‌ای را طراحی کرده‌اند که رسانه‌ای دولتی همچون صداوسیما در آن جایی

1. deconstruction
2. otherness

ندارد و به این شیوه، برای خود کسب امنیت می‌کنند. در این پژوهش ضعف محتوای رسانه‌های دولتی، از عوامل برون‌ایستادگی مخاطبان معرفی شده است.

اعظم علی اصفهانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش رسانه‌ها در ایجاد و تقویت فضای عمومی با تأکید بر تلویزیون جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرگان ارتباطی و مدیران رسانه» باهدف بررسی نقش رسانه‌ها و به‌طور خاص تلویزیون در ایجاد فضای مفاهمه و گفتگو، در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا تلویزیون جمهوری اسلامی ایران موجب تأثیر در فضای گفتگو و مفاهمه شده است یا خیر. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر خبرگان پژوهش، تلویزیون بر فضای گفت‌وگو و مفاهمه و همچنین گستره عمومی ایران معاصر تأثیری در جهت تقویت دارد.

انیس رحمان^۱ در پژوهشی با عنوان «تلویزیون و حوزه عمومی در بنگلادش» در سال ۲۰۱۲ در پی پاسخ به این پرسش است که آیا صنعت تلویزیون و رشد آن، حوزه عمومی دموکراتیک در بنگلادش را محقق کرده است. این پژوهش چنین شرح می‌دهد که به دلیل نابسامانی‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی در کشور، شاهد عدم شفافیت در مجوزهای کانال‌های تلویزیونی، سیاسی شدن مالکیت تلویزیون و همچنین تجاری‌سازی اخبار هستیم. در واقع مداخلات سیاسی دولت و بازار بر رسانه‌ها سایه افکنده و رابطه تلویزیون، نخبگان سیاسی و بازار، چالش‌هایی را به همراه می‌آورد و این مسئله نگرانی‌هایی را نزد روشنفکران، روزنامه‌نگاران و ستون‌نویسان ایجاد کرده است. چرا که نقش تلویزیون به‌عنوان تسهیل‌گر دموکراسی محل تردید قرار گرفته است.

در مقاله‌ای از روث وداک^۲ محقق دانشگاه لنکاستر انگلستان^۳ با عنوان «جهانی شدن سیاست در تلویزیون: داستان یا واقعیت؟» در سال ۲۰۱۰، بازنمایی سیاست در تلویزیون با مطالعه یک سریال درام تلویزیونی در آمریکا با نام «بال غربی»^۴ مورد بررسی قرار گرفته است؛ محقق این پژوهش با توجه به این ایده که سیاست به‌طور ذاتی متصل به زبان، گفتمان و ارتباطات است، از روش تحلیل گفتمان انتقادی بهره‌گرفته و با تمرکز بر عناصر رتوریک و ترکیب آن با مطالعات رسانه، نشان می‌دهد چگونه مجموعه گفتگوها و تعاملات واقع در فیلم، به افشای مجموعه عیان و مستتر اهداف سیاسی و آموزشی کدگذاری شده در متن، یاری می‌رساند و نشان می‌دهد از رهگذر این متون رسانه‌ای در سطح ملی و همچنین جهانی کدام هنجارهای ایدئولوژیک جریان می‌یابد.

1. Anis Rahman

2. Routh Wodak

3. Lancaster university

4. the west wing

ادبیات پژوهش

گفتمان لیبرالیسم

لیبرالیسم^۱ آزاد شدن از قید مقدسات و شوریدن در برابر هرگونه ولایت، چه دینی و چه فکری است. سخن اصلی انسان‌شناسی لیبرالیستی این است که عقیده آدمی در انسانیت او دخالتی ندارد و به عبارت دیگر، عقیده برتر از انسانیت نیست. در حالی که در مکاتب دینی، یکی از مقومات انسان، عقیده اوست و شهادت در راه عقیده فضیلت است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷). بر اساس اصول لیبرالیسم انسان به موجب توانایی‌های عقلی خود موجود مختار و مستقلی است که می‌تواند بر طبق آرا و عقاید خودش زندگی کند و چنین شیوه‌ای در زندگی موجب تحقق صلاح فرد و جمع خواهد شد. اساس فلسفی چنین نظری این است که همه انسان‌ها از خرد بهره‌مندند و خردمندی ضامن آزادی فرد است و فرد تنها در آزادی می‌تواند به حکم خرد خود چنان‌که می‌خواهد زندگی کند. خردمندی، ضامن آزادی فکر و دو جزء جدایی‌ناپذیرند. سلب آزادی از فرد به معنی نفی خردمندی اوست و نفی توان خردورزی انسان به نفی آزادی او می‌انجامد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۱). به این ترتیب این مکتب، در سه زمینه فلسفی، سیاسی و اقتصادی، اصول و مبانی خود را ارائه داده است. در زمینه سیاسی، طرفدار آزادی‌های فردی و اجتماعی است و در زمینه مسائل اقتصادی به کم کردن نقش و قدرت دولت قائل است. از نظر فکری نیز بر این اعتقاد است که اگر امور جهان بر روال طبیعی خود قرار گیرد، مشکلات بشری حل خواهد شد. نخستین متفکران لیبرال بر این اعتقاد بودند که عموم مردم می‌توانند راه سعادت و خوشبختی خود را انتخاب کنند و به سلسله مراتبی از روحانیان و غیرروحانیان نیاز نیست تا برای مردم تعیین تکلیف کنند (نصری، ۱۳۸۲: ۸). مهم‌ترین مشخصه‌های مکتب لیبرالیسم عبارت است از:

۱. اومانیسیم^۲. انسان‌محوری یا اومانیسیم حالت کیفی و کمی از قرار دادن انسان در جایگاه خدا است. (شاکرین، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

۲. تسامح و تساهل^۳. تسامح عبارت است از تحمل عقیده و اندیشه و رفتاری که غلط یا نامطلوب است. اگر انسان، عقیده یا رفتار فردی را نامطلوب تلقی کند و یا از آن نفرت داشته باشد و در عین حال آن را تحمل کند، از خود تساهل نشان داده است (نصری، ۱۳۸۲: ۵۱).
۳. آزادی^۴. لیبرالیسم در واقع به مطلق بودن ارزش آزادی اعتقاد دارد، لیبرال‌ها

1. liberalism
2. humanism
3. tolerance
4. freedom

معتقدند که همه عقاید و حتی عقاید باطل و گمراه‌کننده، در بیان آزاداند، هیچ ابزاری نمی‌تواند جلوی این آزادی را بگیرد و در عین حال هیچ مرزی نمی‌تواند این آزادی را محدود سازد (شاکرین، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

۴. سکولاریسم^۱. از تفکر اومانیسیم، سکولاریسم حادث می‌شود؛ یعنی جدایی دین از امور اجتماعی. برای فرد سکولار، دین جنبه فردی و قلبی دارد. فرد سکولار دین را نفی نمی‌کند، بلکه معتقد است که دین به اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حکومت، روابط بین‌المللی و حتی مسائل خانوادگی کاری ندارد. این عقل جمعی است که باید به این مسائل پردازد (نصری، ۱۳۸۲: ۱۹).

۵. تکثرگرایی^۲: تکثرگرایی عبارت است از پذیرش دیدگاه‌ها و نظریات مختلف. لیبرالیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی، اصل تکثرگرایی را در تمامی بخش‌های اندیشه‌ای خود پذیرفته است. به‌طور خلاصه کثرت‌گرایان معتقدند همه ادیان راهی به حقیقت دارند و چنین نیست که تنها یک دین خاص ما را به حقیقت برساند.

۶. خردگرایی^۳: لیبرال‌ها معتقدند همه انسان‌ها از خرد بهره‌مندند و خرد را ضامن آزادی فردی می‌دانند و این دو را از یکدیگر تفکیک ناپذیر قلمداد می‌کنند. به‌طوری‌که سلب هر کدام به نفی دیگری می‌انجامد (دریفوس و رایینو، ۱۳۷۹: ۱).

لیبرالیسم با تکیه بر آموزه‌های خردباوری، هرگونه اصول جزمی را در پی‌ریزی قواعد اخلاق اجتماعی، انکار می‌کند و تنها به اصول عقلی برای تأسیس و تدوین چنین قواعدی باور دارد. لیبرالیسم به این ایده اساسی ختم می‌شود که آنچه در برابر آزمون عقل تاب نیاورد، پذیرفته نمی‌شود و اهمیتی ندارد که آمریت و اقتدار نهفته در پشت سر آن چقدر بزرگ باشد (شیپرو^۴، ۱۳۸۰: ۷).

گفتمان نواندیشی دینی

جریان نواندیشی یا روشن‌فکری دینی^۵، نهضتی است که پیش از انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده و همان‌طور که این گفتمان پیش از انقلاب اسلامی جریان یکدست و واحدی نبود، پس از انقلاب نیز با همین رویه به بازتولید خود ادامه داده و بر همین اساس طیف‌ها و نحله‌های گوناگونی را در خود جای داده است. در قالب نوگرایی دینی، سعی بر آن است، تفسیری نو

1. secularism

2. pluralism

3. rationalism

4. Schapiro

5. religious intellectualism

و البته متفاوت از اسلام و انقلاب اسلامی ارائه شود که در آن نشانه‌های گفتمان اسلام‌گرایی به حاشیه رانده می‌شود و جای خود را به مفاهیمی همچون آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و معنویت می‌دهد. این گفتمان با نقد گفتمان اسلام‌گرایی سعی دارد، الگویی جدید از دینداری سازگار با جامعه مدرن و حکومت دموکراتیک ارائه دهد؛ به طوری که تلفیق دین، دموکراسی، معنویت و مدرنیته هدف اصلی آن است. در این گفتمان، حکومت دینی جایگاه رفیعی ندارد و آنچه از اهمیت مهم برخوردار است، خواست مردم متدین است. حکومت به ارزش‌های دینی احترام می‌گذارد ولی تمایلی به پذیرش نقش رهبری سیاسی روحانیت ندارد. اسلام در چارچوب این گفتمان از یک ایدئولوژی سیاسی به نظامی از باورهای معطوف به اخلاق و معنویت تقلیل می‌یابد. روشنفکران دینی به طور کلی، موافق پروژه تجدید، اما در تلاش‌اند تا حدودی به فرهنگ بومی و بخش مهم آن یعنی اندیشه‌ها و باورهای دینی به گونه‌ای انتقادی توجه داشته باشند. روشنفکری دینی به طور کلی به دو مقوله مهم توجه می‌کنند: یکی دین به عنوان فره‌ترین اجزای سنت و دیگری مدرنیته و عبور از مرحله سنت به مرحله دیگر. این عبور دادن عظیم‌ترین حرکتی است که باید هدایت شود؛ بنابراین روشنفکر دینی در صدد است نوعی مدرنیته بومی را طراحی کند؛ به ترتیبی که هم مدرن باشد و هم از آسیب‌های تجدد مانند از خود بیگانگی و بحران هویت در امان بماند. از مهم‌ترین شاخصه‌های این گفتمان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

خردگرایی، معرفت‌شناسی غیردگماتیستی، نقد توقع بسیار از دین، نقد معرفت پیشینی و ورود به ساحت تفکر، تأکید بر تجربه دینی در امر دینی، پرهیز از تفکر ایدئولوژیک، فهم عرفی از دین، ترسیم چهره‌های لطیف از دین، نگاه برون‌فقهی به دین و تأکید بر ابعاد انسانی و عرفانی آن، اعتقاد به دین حداقلی، باور به حکومت اقلی دینی، مخالفت با سیاست‌زدگی، نقد فرهنگ‌سازی دولت، توجه به ساختارها، باور به مدیریت علمی در تدبیر امور کشور، توجه به حکومت به عنوان امری بشری، حق محوری و جهانی شدن.

گفتمان سنت‌گرایی دینی

یکی از گفتمان‌های مطرح در ساحت معرفت ایران معاصر، گفتمان سنت‌گرایی است که سید حسین نصر به عنوان نماینده اصلی این گفتمان، شناخته می‌شود. در این گفتمان، اعتقاد بر این است که منشاء همه سنن یکی است و به صورت کلی از آن با عنوان «حکمت خالده» یا خرد جاودان یاد می‌شود. سنت مدنظر این اندیشمندان، دارای منشاء بشری نیست که با گذر زمان غبار کهنگی و فرسودگی بر آن بنشیند؛ چرا که این سنت در مراتب عالی

- هستی ریشه دارد. یکی از گزاره‌های اصلی این گفتمان این است که هیچ‌کس نخواهد توانست سنت فکری خویش را از دریچه چشم‌انداز تفکری بیگانه، به درستی بنگرد (آقا حسینی و روحانی، ۱۳۹۱: ۱۶). برخی از اصول محوری سنت‌گرایی دینی عبارت است از:
۱. حکمت خالده یا فلسفه جاودان: در این فلسفه اعتقاد بر این است که ادیان بزرگ مانند اسلام و مسیحیت و یهود و آیین‌های شرق آسیا از حقیقت مشترک و متعالی برخوردارند. پیام اصلی این فلسفه تمایز ظاهر و باطن ادیان و کثرت‌ظاهری و وحدت باطنی آنهاست.
 ۲. وحدت متعالی ادیان: در این گفتمان، همه ادیان بزرگ و ماندگار در جهان، سرچشمه الهی دارند. حقیقتی که در اسلام با اصل شهادت به وحدانیت خداوند با کلمه «لا اله الا الله»، در او پانیشادها با عنوان «نه این و نه آن»، در تائوئیسم با اصل «حقیقت بی‌نام» و در انجیل با عنوان «من آنم که هستم» بیان شده است.
 ۳. عقل کلی: سنت‌گرایان در مقابل عقل ابزاری و جزئی، عقل کلی را مطرح می‌کنند.
 ۴. کثرت‌گرایی دینی: سنت‌گرایی با رویکرد هستی‌شناختی و حکمت خالده و با بهره‌گیری از عرفان و تصوف، تلاش دارد تا کثرت ادیان شرقی و غربی را تجلیات الهی بداند.
 ۵. انتقاد از غرب و اومانیسم
 ۶. محوریت رویکرد تصوف‌گرایانه و اشراقی
 ۷. نقد مدرنیته (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۳).

گفتمان بنیادگرایی دینی

بنیادگرایی^۱ دینی مجموعه‌ای از احکام، گزاره‌ها و نشانه‌هایی است که ذیل آن اعتقاد به قطعی بودن متون مقدس مطرح می‌شود و رجعت به اصول و مبانی دین از اولویت گفتمانی برخوردار است. به‌طور کلی بنیادگرایان می‌کوشند هویت فردی و جمعی‌شان را از گزند مدرنیته و سکولاریسم محفوظ بدارند. بنیادگرایان از انحطاط و استحاله عقایدشان هراس دارند و در تلاش هستند هویت خود را با زنده کردن بخش‌های مشخصی از آداب و اعتقادات مربوط به گذشته مستحکم سازند (Armstrong, 2000: 2). بنیادگرایان دست به‌گزینش می‌زنند؛ آن‌ها انرژی خود را صرف به‌کار بستن جنبه‌ها و ویژگی‌های برگزیده‌ای از دین می‌کنند که بهترین مقوم آنهاست و وحدت نهضت آن‌ها را تضمین می‌کنند. بنیادگراها یا به نام خدا در ادیان توحیدی و یا به نام علائم و نشانه‌های مرجع متعالی خود می‌جنگند (کاستلز^۲، ۱۳۸۵: ۳۰). از مهم‌ترین شاخص‌های بنیادگرایی دینی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. fundamentalism
2. Castells

۱. عدم توجه به ماهیت مدرنیته و ارکان آن؛
۲. نفی معنویت و بعد عرفانی دین؛
۳. رجوع به سنت؛
۴. مخالفت با تکثرگرایی؛
۵. مخالفت با جلوه‌های استحسانی دین و هنر؛
۶. تفسیر ایدئولوژیک از دین؛
۷. تأکید بر عمل (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۰).

گفتمان اسلام سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی ایران با تکیه بر اقتدار کارزمایی آیت‌الله امام خمینی (ره) و همراهی آیت‌الله سید محمد بهشتی، آیت‌الله حسینعلی منتظری، استاد مرتضی مطهری، حجت‌الاسلام رفسنجانی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و عده‌ای دیگر از روحانیون این گفتمان نضج گرفت (قجری، ۱۳۹۶: ۱۹۶) و در نهایت به عنوان گفتمان محوری انقلاب اسلامی معرفی شد. اسلام‌سیاسی به عقیده و آموزه‌ای ارجاع می‌کند که اسلام را به عنوان یک کلیت اعتقادی مشتمل بر مسائل مهم درباره نحوه مدیریت سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در جهان معاصر تلقی می‌کند و از این رو، بازخوانی و بازنمایی مجدد دال‌ها و نشانه‌ها را بر محوریت کلمه نهایی اسلام مطرح می‌نماید. اسلام‌سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید می‌کند و مدعی است اسلام از نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است. از این رو، اسلام‌سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است (هنری، ۱۳۹۲: ۱۰۴). مهم‌ترین مبانی این گفتمان به شرح زیر است:

۱. اعتقاد به ابعاد فراگیر دین به گونه‌ای که دین فقط یک اعتقاد تلقی نمی‌شود؛ بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه حیات آدمی را در بر می‌گیرد (بهرز نیک، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

۲. اسلام‌سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید دارد و مدعی است اسلام از نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی، از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی برتر است.

۳. اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس مبانی اسلامی. اسلام‌سیاسی از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح سیاسی جامعه استفاده می‌کند و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه‌حل بحران‌های جامعه معاصر به شمار می‌آورد. اسلام‌سیاسی در صدد ایجاد نوعی جامعه مدرن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب، از آسیب‌های آن به دور باشد.

۴. اعتقاد به اینکه استعمار غرب عامل عقب ماندگی مسلمانان است. اسلام‌گرایان، عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زائیده استعمار جدید غرب می‌دانند و به این وسیله با دست گذاشتن بر حساسیت‌های امت اسلام، می‌خواهند به عقب‌ماندگی مسلمانان پاسخ گویند (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۱۹).

روش پژوهش

مقاله پیش‌رو برای رسیدن به اهداف پژوهشی، از سنت روش‌های کیفی تبعیت می‌کند. پژوهش‌های کیفی این فرصت را برای پژوهشگر به وجود می‌آورد که در تقابل با روش‌های اثبات‌گرایی، پدیده را به جای آنکه در ماهیت دستکاری شده آن مورد بررسی قرار دهد، آن را در وضعیت طبیعی‌تر مشاهده و بررسی کند. مسئله این پژوهش با روش تحلیل‌گفتمان و با رویکرد لاکلا و موف بررسی شده است. با توجه به اینکه نظریه لاکلا و موف هم‌جوه نظری و هم‌جوه روش‌شناختی را توأم در برمی‌گیرد، ابزاری مناسب برای تحلیل متون رسانه‌ای به دست می‌دهد که در چارچوب آن، نحوه تثبیت گفتمان‌ها و برساخت سوژه بررسی می‌شود.

مجله تصویری زاویه یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که بیش از یک دهه از عمر آن می‌گذرد و تا کنون - تا زمان انجام پژوهش - ۱۶ فصل از آن در حوزه علوم انسانی ساخته و پخش شده است. این برنامه گفتگو محور، بستری را فراهم می‌سازد که تضارب آرا و اندیشه‌ها در قالب گفتگو جریان یابد. نمونه موردی پژوهش حاضر بر این مجله تصویری متمرکز شده است. وب‌سایت شبکه ۴ در معرفی این برنامه می‌نویسد:

«مناظره در جهانی که به عصر ارتباطات معروف شده، می‌تواند برای پیشرفت هر کشوری از ارکان اساسی به شمار آید. این برنامه با بهره‌گیری از مجری با دعوت از حداقل ۲ صاحب‌نظر حوزه‌اندیشه در علوم انسانی به تحلیل و گفتگو می‌پردازد و می‌تواند زمینه‌ساز مباحثه و مناظره مطلوب در رسانه ملی باشد.»

در این پژوهش، تمام قسمت‌های مجله تصویری زاویه که با گفتمان‌های معاصر در ایران و برساخت سوژه‌ها مرتبط است، طی سال‌های ۱۳۹۷ لغایت شهریور ۱۴۰۰ با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته است تا مشخص شود، نحوه بازتولید گفتمان مسلط در این برنامه نخبه‌ساخت چگونه است. در این پژوهش، پس از استخراج عناوین قسمت‌های مختلف مجله تصویری زاویه در چارچوب زمانی

مشخص و بازبینی چندباره محتوای برنامه‌ها، نهایتاً ۴۳ قسمت^۱ از این برنامه با توجه به ارتباط مفهومی و موضوعی با پرسش‌های پژوهش، انتخاب و بررسی شده است. واحد تحلیل پژوهش، علاوه بر کلیت موضوعی برنامه، جملات و اظهارنظر کلی کارشناسان برنامه است. به بیان دیگر، جمله، بند و گزاره‌های تحلیل کارشناسان در پیوند با موضوع برنامه استخراج و ثبت شد و مبنای تحلیل نهایی پژوهش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در گزارش نتایج پژوهش با توجه به شواهد متنی نشان می‌دهیم در بین گفتمان‌های معاصر ایران کدام یک از گفتمان‌ها و چگونه از سیمای جمهوری اسلامی ایران برای مخاطب نخبه، بازتولید می‌شود. بدین منظور مجموعه قسمت‌های این مجله در یک کلیت واحد که در ارتباط با یکدیگر می‌باشند، بر اساس رویکرد لاکلا و موف تحلیل و بررسی شد. پس از گزارش نحوه بازنمایی گفتمان مسلط در مجله تصویری زاویه و مفصل‌بندی دال‌های محوری و اصلی آن و نحوه شالوده‌شکنی از گفتمان معارض، نشان می‌دهیم نزاع‌های گفتمانی که در این مجله بازنمایی می‌شوند در چه نسبتی با گفتمان مسلط قرار دارند.

با توجه به فرایند تحلیل گفتمان لاکلا و موف و با تحلیل بیش از ۴۳ قسمت از مجله تصویری زاویه، مشخص شد عموم محورهای مفصل‌بندی شده در مجله تصویری زاویه، فضای استعاری گفتمان اسلام‌سیاسی را بازتولید و تثبیت می‌کند. در این برنامه، کارشناسان

۱. اعتراضات درون ساختاری در ایران ۱۴۰۰/۶/۳۱، مخاطرات اندیشه‌ورزی در علوم انسانی ۱۴۰۰/۶/۱۷، نقش احزاب در اعمال حاکمیتی ۱۴۰۰/۶/۱۰، امکانات رهایی‌بخشی رنج قدسی ۱۴۰۰/۶/۳، «توسعه عادلانه» از منظر شهید بهشتی ۱۴۰۰/۴/۹، چالش توسعه اقتصادی و استقلال ۱۴۰۰/۴/۱۶، تربیت جنسی بررسی سیاست‌گذاری امرجنسی جمهوری اسلامی ۱۳۹۹/۱۲/۲۰، مردم و موازنه قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی ۱۳۹۹/۱۱/۱۷، اخلاق و سیاست در ایران ۱۳۹۹/۱۱/۸، فراز و فرود جمهوریت در ایران معاصر ۱۳۹۹/۱۰/۱۷، مناسبات علم و سیاست ۱۳۹۹/۹/۲۶، بررسی سازوکارهای اسلامیت قضا و قانون ۱۳۹۹/۹/۱۹، واکنش مناسب به «ترور» صبر راهبردی یا ضربه متقابل ۱۳۹۹/۹/۱۲، الهیات حکومت در ایران معاصر ۱۳۹۹/۰۸/۲۱، دولت مدرن و هتک امرمقدس ۱۳۹۹/۰۸/۱۴، جمهوری اسلامی ایران و مسئله آمریکا ۱۳۹۹/۷/۳۰، علم بومی: استعمارگر یا استعمارزدا ۱۳۹۹/۷/۲۲، مناسبات حجاب و سیاست در ایران ۱۳۹۹/۰۶/۲۶، مناسبات بین نهاد ولایت‌فقیه، نهاد دولت و مردم ۱۳۹۸/۱۱/۹، ایده نهاد علم درباره استقلال دانشگاه در ایران ۹۸/۹/۲۷، ایده علم برای کاهش فاصله میان علم و عمل در ایران ۱۳۹۸/۹/۱۳، ایده نهاد علم برای صیانت از اسلامیت قانون‌گذاری در ایران ۱۳۹۸/۷/۲۴، ایده نهاد علم برای ارتقای اسلامیت نهاد سیاست ۱۳۹۸/۷/۲۴، ایده نهاد علم برای ارتقای اسلامیت نهاد سیاست در ایران ۱۳۹۸/۷/۱۷، ایده نهاد علم برای بهبود زیست جنسی (۱) ۱۳۹۸/۶/۶، ایده نهاد علم برای بهبود زیست جنسی (۲) ۱۳۹۸/۵/۳۰، کارآمدی جمهوری اسلامی در بهبود دینداری در ایران (۱) ۱۳۹۸/۵/۲۳، ایده نهاد علم برای بهبود دین‌داری در ایران (۲) ۱۳۹۸/۵/۱۶، علم الهیات و مسئله دین‌داری در ایران ۱۳۹۸/۵/۹، ایده علم سیاست برای بازدارندگی از جنگ در ایران ۱۳۹۸/۴/۱۹، مأموریت حکومت دینی ۱۳۹۷/۱۲/۱۵، تحلیل نظری انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۱۰، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها؛ توفیقات، ناکامی‌ها ۱۳۹۷/۹/۲۱، بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۳۹۷/۹/۷، بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۳۹۷/۸/۳۰، روایت‌های رقیب در وضع کنونی ۱۳۹۷/۷/۲۵، انگاره فروپاشی پیدا و پنهان یک فرضیه ۱۳۹۷/۷/۱۸، حوزه تصمیم‌سازی یا نظاره‌گر ۱۳۹۷/۶/۷، فقه و حقوق اسلامی در دنیای معاصر ۱۳۹۷/۶/۲۱، امکان‌سنجی فقه سکولار ۱۳۹۷/۶/۱۴، حوزه علمیه نظاره‌گر یا تصمیم‌ساز ۱۳۹۷/۶/۷، زاویه‌نشینی عقل در حوزه علمیه ۱۳۹۷/۵/۱۰، وضع مصنوعی نهاد علم در ایران ۱۳۹۷/۴/۲۷، نسبت اندیشه و رسانه ۱۳۹۷/۴/۱۳

و مجری برنامه، عموماً به گفتمان اسلام‌سیاسی ارجاع می‌دهند و مباحث گفتمانی خود را ذیل آن مفصل‌بندی می‌کنند. در واقع گفتمان اسلام‌سیاسی از جمله بدیهیات، ضروریات و اصول موضوعه این برنامه محسوب می‌شود که شاکله معنابخشی گفتمانی را طرح‌ریزی می‌کند. با بررسی گفتگوهای این مجله، ریشه‌های سیاسی، عقیدتی و اجتماعی شکل‌گیری، ساخت‌یابی و نحوه‌ی مقوم شدن گفتمان اسلام‌سیاسی و چالش‌هایی که با آن مواجه است واکاوی و به نقد گذاشته می‌شود. در برنامه «مناسبات بین نهاد ولایت‌فقیه، نهاد دولت و مردم» مجری برنامه، پرسش آغازین خود را این چنین صورت‌بندی می‌کند:

«هنوز همه طرفیت‌های نظریه ولایت‌فقیه، به‌منزله یک طرح سیاسی، به فعلیت نرسیده است و زوایای نوپدیدی دارد که باید درباره‌اش اندیشید؛ امروز با التفات به تجربه‌ای که این طرح سیاسی پیشرفته در واقعیت اندوخته است، نقطه کانونی و پیشرانی که برای بسط نظری ولایت‌فقیه باید در نظر گرفت، کدام است؟ به‌عبارت دیگر، طرح سیاسی ولایت‌فقیه، اینک از کدام بعد بسط نظری یابد و پیش رود؟». همچنین در برنامه‌ای با عنوان «تحلیل نظری انقلاب اسلامی» کارشناس برنامه، در تشریح تقابل گفتمان ولایت‌فقیه به‌عنوان یگانه‌گفتمان مشروع انقلاب اسلامی و گفتمان پهلویسم تشریح می‌کند: «انقلاب اسلامی در یک موقعیت تاریخی محقق شده و فهم آن در گرو مبانی نظری نظام پهلوی است و سازوکارهایی را در برمی‌گیرد که در تقابل با نظام پهلوی قرار می‌گیرد. انقلاب اسلامی آمد و نظم‌بخشی جدیدی را صورت‌بندی نمود و صورت‌بندی پیشین را در هم شکست. فرق انقلاب اسلامی و الهی با یک انقلاب سکولار، در این است که رهبران انقلاب در انقلاب الهی، راه ایجاد نمی‌کنند؛ راه را قبلاً انبیا ایجاد کرده‌اند. آن‌ها صرفاً همان راه [را] نشان می‌دهند؛ در حالی که [در] انقلاب‌های سکولار و غیردینی، رهبران هم‌زمان با انقلاب، راه نوین ایجاد می‌کنند». در برنامه «مناسبات بین نهاد ولایت‌فقیه، نهاد دولت و مردم» در گفتار کارشناس برنامه عنوان می‌شود:

«اولین اتفاقی که در سرنوشت این جامعه (پس از انقلاب) با این نظریه افتاد، عبور از یک نظم سیاسی سلطنتی به نظمی بود که رأی و رضایت مردم سرنوشت آن را تعیین می‌کند. این نظریه سابقه خیلی دیرینه‌ای دارد؛ اما با طرح آن توسط امام خمینی (ره) امکان تحقق آن فراهم شد». در مجله تصویری زاویه، اسلام‌سیاسی برای استقرار گفتمان خود، حالت‌های ممکن معنایی گفتمانی را محدود می‌کند و با این تحدید معانی، اسلام‌سیاسی را به عنوان امری محتوم و قطعی، برای سوره‌ها بازنمایی می‌کند. محورها و نحوه پرداخت

موضوعی به این گفتمان که اساس برنامه بر مبنای آن بنا شده، به شرح زیر است:

بنیان‌های جهت‌بخش برنامه

با مطالعه محتوای اختصاص یافته برای مخاطب نخبه، ملاحظه شد، تثبیت و ترویج گفتمان اسلام‌سیاسی و نظام معنایی برخاسته از آن، اولویت دارد؛ به‌طوری که روح کلی حاکم بر محتواهای این برنامه، نظریه انقلاب اسلامی و اسلام‌سیاسی است. این برنامه در تلاش است با موضوعاتی که انتخاب می‌کند، به رسانه‌ای هم‌تراز با انقلاب اسلامی تبدیل شود. بنیان‌های جهت‌بخش برنامه عبارت است از:

- در این برنامه، حکومت دینی بر اساس مبانی عقلانی تبیین می‌شود و حقانیت آن با استناد بر کتاب و سنت، تشریح می‌شود.

- مبنای محوری محتوای این برنامه، ملهم از اسلام ناب محمدی و فقه اسلامی است. به‌طوری که بر تمام قسمت‌های برنامه سایه افکنده است. در این برنامه، از هر نوع تأثیرپذیری از رویکردهای التقاطی محافل غرب‌گرا در تفسیر دین خودداری می‌شود و از خوانش‌های متکثر از آن امتناع می‌شود.

- این برنامه به‌طور مکرر هویت اسلامی، انقلابی و ملی سوژه‌های انسانی را برمی‌سازد. روند کلی قسمت‌های برنامه نشانگر آن است که سوژه‌ها نسبت به هویت دینی و ملی خود احساس تفاخر کنند.

- جهت‌گیری نهایی مجله تصویری زاویه بر اصالت و حقانیت فرهنگ اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی صحه می‌گذارد.

بازنمایی جامعیت، کفایت و مرجعیت گفتمان اسلام سیاسی

در قسمت‌های مختلف برنامه، تلاش می‌شود دین جدا شده از پیکره سیاست و اجتماع - مطابق با گفتمان‌های لیبرال و مروجان ایدئولوژی سکولاریسم - به متن زندگی سیاسی اجتماعی پیوند بخورد، در این گفتمان تأکید می‌شود، قوانین فقهی اسلام، اگر به شیوه اجتهادی اجرا شود، پاسخگوی مشکلات و مسائل جامعه مسلمانان خواهد بود. عرفی‌سازی دینی مسئله‌ای است که در این برنامه تقبیح می‌شود و در حاشیه قرار می‌گیرد. - در این برنامه، دین محدود به امور فردی تعریف نمی‌شود و همواره نگرش مثبت نسبت به حکومت دینی و اصل ولایت فقیه ملاحظه می‌شود.

- نیازهای فردی و اجتماعی انسان امروز و شبهات وی ذیل گفتمان اسلام سیاسی پاسخ داده می‌شود.

– اسلام‌سیاسی در قیاس با سایر مکاتب و ادیان الهی در تأمین آرامش، سعادت و تعالی انسان، نگرشی جامع و کامل دارد و تأکید می‌شود این گفتمان به توفیقات چشمگیری نائل شده است.

شبهه‌زدایی و نه شبهه‌افکنی در برنامه

برایند کلی مجله تصویری زاویه حاکی از آن است که گفتمان اسلام‌سیاسی در مواجهه با گفتمان‌های بدیل، از طریق امکان و ظرفیت‌های گفتگو بین نخبگان، ابهامات و خلاءهای گفتمانی را رفع ابهام می‌کند و به این شیوه از تزلزل گفتمان انقلاب اسلامی، جلوگیری می‌کند. – در این برنامه به شبهات نافی جهان‌شمولی و فراگیری اسلام‌سیاسی پاسخ داده می‌شود. – به‌منظور جلوگیری از تشویش اذهان، به شبهات نظری اسلام، از منظر گفتمان لیبرال – دموکراسی پرداخته نمی‌شود و در صورت پرداختن به وجوهی از شبهات، در همان برنامه، پاسخ‌های جامع و متقن ارائه می‌شود. – تلاش می‌شود از جهان‌بینی نظام سلطه و تمدن غرب ذیل مفاهیمی چون اومانیسیم، ساینتیسم، سکولاریسم و لیبرالیسم با رویکردی نقادانه و عالمانه شالوده‌شکنی شود.

تمدن اسلامی به عنوان هدف غایی

تمدن نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی در جوامع بشری است؛ این برنامه با ارجاع‌های پیاپی به امکان تحقق تمدن نوین اسلامی، آن را به عنوان غایت گفتمانی انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و تمام نیروی رسانه‌ای خود را بسیج می‌کند که آن را امری دست‌یافتنی معرفی کند. در این برنامه تأکید می‌شود انقلاب اسلامی بضاعت و توانمندی‌های درخوری دارد و با ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارد، قادر است شکوفایی مجدد تمدن اسلامی و صدور آن به کشورهای دیگر را رقم زند. – بر تشکل‌های مردم‌نهاد اسلامی تأکید می‌شود که در مقیاس ملی و بین‌المللی توان گسترش تمدن نوین اسلامی را دارند و از رهگذر آن، حکومت جهانی ذیل گفتمان اسلام‌سیاسی محقق می‌شود. – در این برنامه از انقلاب اسلامی به عنوان موتور پیشران توسعه و عمران کشور یاد می‌شود. – از طریق تجویز روحیه مقاومت و امیدافزایی در بین کشورهای اسلامی نشان داده می‌شود، گفتمان انقلاب اسلامی ظرفیت هدایت جنبش بیداری اسلامی در منطقه و جهان را دارد. – تشریح ارتقای عزت‌مندانانه و افتخارآفرین جایگاه ایران در جهان، در دستور کار این برنامه قرار دارد. – بر ناتوانی ایدئولوژی‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی در حل معضلات و بحران‌های بشری صحنه گذاشته می‌شود.

به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های غربی

از جمله محورهایی که در مجله تصویری زاویه بر آن‌ها تأکید می‌شود، مواجهه رسانه‌ای با ایدئولوژی‌های غربی است که در تقابل معنایی با گفتمان اسلام‌سیاسی قرار می‌گیرند. این برنامه به عنوان ابزاری فرهنگی مأموریت دارد تا با تمهیدات رسانه‌ای در ایدئولوژی‌های غربی مداخله هژمونیک کند و نهایتاً با شالوده‌شکنی، جهان‌بینی آن‌ها را ناکارآمد معرفی کند.

- در این برنامه، ایران همواره در عرصه تقابل با جنگ فرهنگی و نرم بازنمایی می‌شود. رویارویی تفکر اسلام‌سیاسی از یک سو و تفکر اومانیستی لیبرال - دموکراسی، جدال تعیین‌کننده‌ای را صورت‌بندی می‌کند که با تجهیز و تقویت توان معرفتی و اندیشگانی گفتمان اسلام‌سیاسی، چالش‌های پیش‌رو از میان برداشته می‌شود.
- نگاهی نقادانه به رنسانس غرب به عنوان مروج اندیشه‌های اومانیستی، مورد تأکید است.
- در این برنامه از بزرگ‌پنداری یا ستایش و تجلیل فرهنگ نظام سلطه خودداری می‌شود و در یک گام فراتر، تقبیح می‌شود.
- از طرح آرای چهره‌ها و ایدئولوک‌های روشنفکر التقاطی اجتناب می‌شود.

افشای شکاف‌های معرفتی برآمده از علوم اجتماعی و انسانی غربی

اسلام، دینی است که پیروان آن به تعقل و اندیشیدن دعوت می‌شوند و دانش و علم‌آموزی به عنوان ارزش نیکو تلقی می‌شود؛ از همین رو، معرفت بومی و تخصیص یافته به زیست بوم ایران با نقد معرفت علوم انسانی مدرن بازتولید می‌شود. در این برنامه، گزاره‌های گفتمانی به منظور بازتولید این نوع از معرفت بومی، در اولویت قرار دارد.

- در قسمت‌های اختصاص یافته به علوم انسانی، جهت‌گیری کلی به علوم انسانی مدرن، نقادانه است و بستر و ظرفیت‌های امکان و امتناع علم‌بومی و اکاوی می‌شود.
- علوم انسانی‌ای راستین و حقیقی تلقی می‌شود که منبعث از علوم اسلامی باشد. این دانش، وجه مغفول مانده حیات بشری که همانا معنویت انسان است را در اولویت می‌دهد.
- از منحصرسازی علم به علوم تجربی و مدرن پرهیز می‌شود و بر علوم وحیانی و شهودی، تأکید می‌شود.

- الگوهای بومی در هر حوزه‌ای بر الگوهای غیربومی رجحان می‌یابد.

به این ترتیب، گفتمان اسلام‌سیاسی به عنوان گفتمان برتر مجله تلویزیونی بر اساس مفاهیم مطرح شده در نظریه گفتمان لاکلا و موف مفصل‌بندی و در قسمت‌های مختلف آن جوهری از آن تشریح و به مباحثه گفتمانی گذاشته می‌شود. در جدول ۲ به اختصار مفاهیم استخراج شده تشریح شده است.

جدول ۲. بازنمایی اسلام‌سیاسی در مجله تصویری زاویه بر مبنای رویکرد لاکلا و موف

گفتمان مسلط	اسلام‌سیاسی
معرف گفتمان	امام خمینی به عنوان مؤلف و واضع گفتمان: شهید بهشتی و شهید مطهری به عنوان شارحان گفتمان
حوزه‌های معنا بخش	این گفتمان تمام ابعاد حیات دنیوی و اخروی را معنا می‌بخشد.
دال‌های معنابخش و زنجیره هم ارزی	شریعت، حکومت دینی، جمهوریت، عقلانیت، عدالت، پیشرفت، وحدت، استقلال و تمدن اسلامی دال‌های معنا بخش این گفتمان هستند که از طریق زنجیره هم‌ارزی، معنا و هویت خود را از دال محوری که همانا اسلام ناب محمدی است کسب می‌کنند و منظومه گفتمانی اسلام‌سیاسی انتظام می‌یابد. به دیگر سخن، در واقع در این مجله با تلفیق دال‌های نامبرده و دیالکتیک آن‌ها هویت گفتمان اسلام‌سیاسی تثبیت می‌شود.
دال محوری	اسلام ناب محمدی
دال شناور	جمهوری، استقلال، تمدن، آزادی، توسعه
رویکرد اقتصادی	اقتصاد مبتنی بر قوانین اسلامی و غیر وابسته. ترویج اقتصاد ملی از طریق اقتصاد مقاومتی
رویکرد فرهنگی	فرهنگ بومی و اسلامی، فرهنگ مستقل، دانشگاه اسلامی، علوم انسانی اسلامی، کاربردی سازی علوم، بومی‌سازی، مقابله با نفوذ فرهنگی، تمدن اسلامی
رویکرد سیاسی	اسلام سیاسی، حکومت اسلامی، جمهوریت توأم با اسلامیت
غیرهای گفتمانی	گفتمان پهلویسم به عنوان گفتمان مغلوب، گفتمان لیبرالیسم به عنوان غیربیرونی و خرده گفتمان بنیادگرایی داعش به عنوان غیردرونی گفتمان اسلام.
سوژه‌های گفتمانی مثبت	پیامبرخاتم (ص)، امام عصر، ولی فقیه، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، مسلمان، ولی مسلمین، روحانیون، طلبه، فلسطین، امت اسلامی، مؤمن، مجتهد، علمای حوزوی، مستضعفین، شهید، مرجع تقلید، شیعیان، متشرع، مقلد، کارشناس دین، معتقدان به اصالت حقیقت، ائمه متدین و سنتی جامعه، شارع دین، اهل بیت، فقها، مؤمنان، متعهدان، دانشجویان متعهد، اساتید متعهد، حوزویان.
سوژه‌های گفتمانی منفی	درباریان، طاغوتیان، رضاشاه، محمدرضا پهلوی، سلمان رشدی، جاسوس‌ها، تکنوکرات‌ها، بورژواها، سلطنت‌طلبان، پهلوی، روشنفکر غرب‌زده، طاغوت، مارکسیست، لیبرال، ملی‌گرا، یهودیان، باستان‌گرایان، فراماسون‌ها، نظام‌سلطه، ابرقدرت، نظام‌سلطه، فمینیست‌ها، فعالان حقوق بشر، اوباما، ترامپ، بایدن، بوش، کارتر، سوژه مدرن، اشرافی‌گرایان، تکفیریان، داعش، نخبگان غرب‌گرا، نوگرایان دینی، سوژه غربی، نخبگان غرب‌گرا،

<p>ولایت فقیه، حکومت دینی، فقه پویا، کرامات انسانی، منشور روحانیت، پیشرفت اسلامی - ایرانی، اقتصاد مقاومتی، اسلام حداکثری، اسلام اجتماعی، وحی، جدایی ناپذیری دین از سیاست، مردم سالاری دینی، حقیقت جهان شمول، اصالت حقیقت، ارزش های جهان شمول، اخلاق دینی، حقیقت واحد، شریعت، اسلام مرجعیت گرا، سلامت معنوی، احکام الهی، فرضیه الهی، عدالت، استقلال، خودکفایی، استکبارستیزی، تمدن اسلامی، وحدت حوزه و دانشگاه، تزکیه، اخلاق اسلامی، حوزه، فقه نظام ساز، فقه سیاسی، فقه شیعی، فقه مدرن، فقه حکومتی، نظم فقهی، تمدن اسلامی، وحدت حوزه و دانشگاه، فقه سنتی.</p>	<p>واژگان مثبت</p>
<p>سکولاریسم، فقه سکولار، فرهنگ وابسته، استعمار، غیراسلامی، خرد خود بنیاد، حقوق بشر، داروینیسیم، تکفیری، عرفی، تساهل گرایی، دموکراسی صرف، توسعه غربی، اسلام حداقلی، رویکرد فمینیستی، ناسیونالیسم افراطی، بنیادگرایی، فردیت گرایی، عرفان های نوظهور، سبک زندگی مدرن، قرائت مادی از عرفان، اخلاق خود بنیاد، اخلاق ایران باستان، علوم غربی، عصری شدن دین، لائسیسم، زیست غربی.</p>	<p>واژگان منفی</p>
<p>مفصل بندی دال های شناور و محوری جهت بازنمایی اسلام حداکثری و حکومت دینی ذیل رهبری ولایت فقیه. دال های انقلابی و اسلامی است که در هم ارزی با سایر دال ها به این گفتمان هویت معنایی می بخشد.</p>	<p>منطق هم ارزی</p>
<p>جامعه عامل به احکام فقهی، لازمه تحقق آرمان های انقلاب اسلامی است. اسلامیت هم قالب و هم محتوای نظام را پی ریزی می کند. اسلام منهای روحانیت، بی محتوا و انحرافی است که توانایی رساندن انسان به حیات طیبه آن چنان که در نظام فکری امام خمینی (ره) مفروض است را ندارد. حقیقت اسلام در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها سایه گستر است و مبنای کنشگری سوژه ها و مناسبات اجتماعی و سیاسی آن ها است. کارشناسان دینی و علمای حوزوی به عنوان مفسران شریعت ملزم به تنظیم کنندگی دنیای سنتی و مدرن هستند.^۱ جمهوری در نظام جمهوری با ولایت الهی پیوند دارد. مشروعیت قوای سه گانه در جمهوری اسلامی از اسلام اخذ می شود. سازگاری جمهوری و اسلامیت در قالب حکومت تحقق یافته است.^۲ تقابل با توسعه در معنای غربی و بازتولید مفهوم پیشرفت، زمینه ساز استقلال و خودکفایی نظام جمهوری اسلامی است.^۳ انقلاب اسلامی ظرفیت تولد و شکوفایی مجدد تمدن اسلامی، هدایت و مدیریت آن را دارد. انقلاب اسلامی، ظرفیت تبدیل جوامع اسلامی به امت واحده را دارد. تمدن اسلامی غایت گفتمان انقلاب اسلامی است که تمام سازوکارهای سیاست گذاری، مدیریتی و اجرایی در کشور باید معطوف به تحقق این هدف باشد.^۴</p>	<p>گزاره های محوری</p>

۱. زاویه نشینی عقل در حوزه علمیه حوزه علمیه نظاره گر یا تصمیم ساز

۲. فرازوفرود جمهوری در ایران معاصر، مردم و موازنه قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی.

۳. بررسی سیر تحول و تحقق عدالت اجتماعی بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۴. تحلیل نظری انقلاب اسلامی - مأموریت حکومت دینی.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش در پی آن بود بررسی کند در محتوای اختصاصی مخاطبان نخبه در رسانه صداوسیما، چه گفتمان‌هایی فرصت ارائه منظومه گفتمانی را پیدا می‌کنند، گفتمان‌ها با چه استراتژی‌هایی و چگونه پوشش داده می‌شوند و در نهایت در منازعات گفتمانی، کدام گفتمان تسلط می‌یابد. برای بررسی این هدف، با رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف، تمام قسمت‌های مجله تصویری زاویه به عنوان یکی از برنامه‌های اندیشگانی شاخص صداوسیما که در بازه زمانی (۱۳۹۷ - تا شهریور سال ۱۴۰۰) بررسی و مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت و در خوانشی معکوس، از سطح به عمق متن، نظام‌ها، رمزهای مستتر و پیچیده متن مورد مطالعه قرار گرفت و تلاش شد مشخص شود چه صورت‌بندی‌های گفتمانی از متن قابل استخراج است. در تحلیل از پژوهش حاضر نتایج این پژوهش در دو بخش مجزا اما مرتبط به یکدیگر، تحلیل و جمع‌بندی شده است:

استراتژی‌های تثبیت گفتمانی

سازوکاری که این برنامه در پیش می‌گیرد تا گفتمان اسلام‌سیاسی را تثبیت و بازتولید کند، تبدیل عناصر پراکنده، به دقایق گفتمانی است. در این فرایند، مفاهیمی که شکل انفرادی، معانی اتفاقی و تصادفی دارند، طی سازوکار مفصل‌بندی، به دقایق گفتمانی اسلام‌سیاسی تبدیل و معانی احتمالی آن‌ها زده می‌شوند و با توجه به دال محوری گفتمان اسلام‌سیاسی (اسلام ناب محمدی)، خصلتی تک‌معنایی و واحد می‌یابند. در این پژوهش دال‌هایی چون توسعه، استقلال، جمهوریت، شریعت و تمدن، هر یک عناصری هستند که با توجه به دال مرکزی اسلام‌سیاسی، معانی محدودی به آن‌ها الصاق می‌شود تا از تکثر معانی جلوگیری شود و با این شیوه، گفتمان اسلام‌سیاسی از درون تثبیت و خوانش پذیر شود و به سمت خوانش متمرکز و هدفمند، حرکت کند. به زعم لاکلا و موف اگر چنین مفصل‌بندی‌ای لحاظ نشود، ممکن است دال‌های شناور در این گفتمان به شیوه‌ای بازتعریف شوند که در گفتمان‌های رقیب مانند گفتمان لیبرالیسم، مارکسیسم یا اسلام ارتجاعی، تعریف شوند و به این ترتیب، هویت، یکپارچگی و یکدستی گفتمان اسلام‌سیاسی مخدوش شود و ابهامات پیش آمده، سوژه‌های انسانی را مردد سازد و نوعی از خودبیگانگی را به همراه آورد.

صورت‌بندی دال‌های شناور گفتمان اسلام‌سیاسی و تشکیل منظومه گفتمان اسلام‌سیاسی در این برنامه به شیوه‌ای است که دال‌ها دچار سیالیت معنایی نشود و فاصله‌ای

بین دال شناور و دال مرکزی رخ ندهد تا معانی موردنظر در گفتمان از دست نرود؛ بنابراین بازنمایی دال مرکزی «اسلام» بر قسمت‌های مختلف سایه افکنده است و اساساً موضوعات هر قسمت در نسبت با دال مرکزی اسلام، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این برنامه، عناصر پیش‌بینی‌ناپذیر که اغتشاش معنایی را رقم می‌زنند، از منظومه گفتمانی اسلام سیاسی خارج و در حاشیه قرار می‌گیرند تا شرایط تغییر از درون گفتمان، منتفی شود. به بیان دیگر، در این مجله، تنها دال‌هایی فرصت بازنمایی می‌یابند که در خصوص آن‌ها، آرای مختلف، ابهام و تشکیک وجود دارد و به این شیوه، زمینه‌ای فراهم می‌شود که با مناظرات و تضارب‌آرا، رفع ابهام صورت گیرد.

در این برنامه، با اتکا بر قدسی و معنوی جلوه دادن گفتمان انقلاب اسلامی، نظام فکری اسلام‌سیاسی فراروایتی محتوم و قطعی نشان داده می‌شود که با مسکوت نگاه داشتن گفتمان‌های دیگر، برای آن کسب اعتبار و مشروعیت می‌کند. اجماع جهان‌شمولی که در مجموعه قسمت‌های مجله تصویری زاویه از اسلام‌سیاسی ارائه می‌شود، بر یکدستی و وحدت این گفتمان صحنه می‌گذارد و تکثر و خاستگاه‌های متفاوت را رد و بی‌هویت تلقی می‌کند. با این حال، طبق آرا لاکلا و موف، در کشاکش و تخصم میان نیروها و دال‌ها، با سلسله‌ی بی‌پایانی از مدلول‌ها مواجه هستیم و هیچ مدلول نهایی، آن‌چنان که گفتمان اسلام‌سیاسی در این برنامه تثبیت می‌کند، حیات گفتمانی نمی‌یابد. به دیگر سخن، اگر دال‌ها را به تنهایی بدون رابطه دیالکتیکی آن‌ها بررسی کنیم، اموری بی‌هویت و بی‌معنا هستند که به تنهایی بار ارزشی چندانی ندارند؛ بنابراین، پیوند و اتصالی که دال‌ها در این گفتمان برقرار می‌کنند، صوری و عرضی است و معنای ذاتی، آن‌چنان که گفتمان اسلام‌سیاسی در این برنامه نشان می‌دهد، از آن‌ها افاده نمی‌شود.

فضای استعاره‌ی اسلام‌سیاسی که در مجله تصویری زاویه ارائه می‌شود، فضای آرمانی است که تضاد و تعارضی در آن رخنه نمی‌کند، برای هر پرسشی، پاسخی تدارک دیده شده و مکرراً در قسمت‌های مختلف، تأکید می‌شود ذیل این گفتمان، سوره‌های انسانی و نیروهای اجتماعی، آرمان‌های متعالی را کسب خواهند نمود. مفصل‌بندی ارائه شده از گفتمان اسلام‌سیاسی، با اسطوره‌سازی از خود و دادن وعده به آینده‌ی روشن، نه تنها راه برون‌رفت از چالش‌ها را منوط به قرار گرفتن ذیل این گفتمان عینی می‌داند، بلکه با پناه بردن به استعاره و اسطوره، خلاءهای گفتمانی را نادیده می‌گیرد و درنهایت، به بسط ایده محوری گفتمان اسلام‌سیاسی، مدد می‌رساند. این در حالی است که طبق نظریه گفتمان لاکلا و موف، مفصل‌بندی‌های گفتمانی همواره امری موضعی و موقتی هستند.

استراتژی دیگری که در تثبیت گفتمانی اسلام‌سیاسی، ایفای نقش می‌کند، مرجح‌سازی در مواجهه با «دیگری» است که شرایط استقرار بیناگفتمانی را فراهم می‌سازد؛ طی این فرایند، اسلام‌سیاسی به عنوان گفتمان مسلط و مرجح از رهگذر غیریت‌سازی، امکان‌ها و حالت‌های گفتمانی دیگر را طرد می‌کند و خود را یگانه امکان معرفی می‌کند. اسلام‌سیاسی، در هم‌ارزی دال‌های اصلی خود، در هویت و اعتبار گفتمان‌های رقیب مداخله هژمونیک می‌کند و هژمونی آن‌ها را به چالش می‌کشد تا خلاءها و شکاف‌های گفتمانی آن‌ها را برجسته نماید. گفتمان لیبرال - دموکراسی، از جمله گفتمان‌های معارض در این برنامه است که از جهان‌بینی آن، شالوده‌شکنی می‌شود. به‌طور کلی، یکی از استراتژی‌های تولید معنا در متن، «نپرداختن» است؛ در همین زمینه، ژاک دریدا، معنا را در غیاب می‌بیند. وی معتقد است آنچه را که ما حضور می‌پنداریم همواره در اقیانوسی از غیاب شناور است (ضمیران، ۱۳۸۶). در این مجله تلویزیونی نیز غیاب نمایندگان گفتمان‌های رقیب، استراتژی‌ای است که نظام معنایی هدفمندی را صورت‌بندی و بازتولید می‌کند. به این ترتیب صداوسیما در برنامه نخبگانی مجله تصویری زاویه، برای پشتیبانی از گفتمان مسلط، بستری را فراهم می‌سازد تا برتری این گفتمان در سایه رضایت سوژه‌های انسانی محقق شود.

در مجله تصویری زاویه، اسلام‌سیاسی با دو قطبی‌سازی‌هایی که صورت‌بندی می‌کند، دوگانه نیک و بد را بازتولید می‌کند. این گفتمان، هر آنچه در محدوده «خود» و «ما» قرار دارد را در سویه نیک و خیر و آنچه آلوده و پلید است را در قطب «دیگری»، بازخوانی می‌کند. گفتمان‌های معارض و بدیل‌های متضاد سیاسی امری تهدیدآمیز و مخاطره‌آور تلقی می‌شوند. گفتمان اسلام‌سیاسی مرجعیت قدسی و دینی را بر هر نوع مرجعیت دنیوی اولویت می‌بخشد و همزیستی با گفتمان‌های دیگر را روا نمی‌داند. قطعیت گفتمان اسلام‌سیاسی آن‌چنان که در این برنامه مفروض است مرجعی برای صدور معنا و حقیقت به دست می‌دهد که لایتغیر است.

اسلام‌سیاسی در مجله تصویری زاویه، با نقد و حاشیه‌رانی گفتمان‌های متخاصمی چون گفتمان پهلویسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و همچنین گفتمان روشنفکری دینی، به عنوان تنها گفتمان عینی در انقلاب اسلامی، بازنمایی می‌شود. در این مجله از گفتمان‌های معارض با عناوینی چون گفتمان در مرگ، گفتمان تضعیف‌شده، منسوخ شده و شکست خورده یاد می‌شود که به این شیوه هویت و انسجام آن‌ها نزد سوژه‌های انسانی به چالش کشیده می‌شود. این برنامه، ظرفیت‌های متعددی چون امکان شنیدن صداهای متکثر و تقویت

حوزه عمومی را در خود می‌پروراند البته باید اشاره کرد این امکان در روساخت برنامه نمود بیشتری پیدا می‌کند و مطابق نتایج این پژوهش تثبیت و بازتولید گفتمان اسلام‌سیاسی چشم‌انداز محوری برنامه قرار می‌گیرد به طوری که کنش‌های زبانی که در این برنامه جریان دارد، در توصیف، تحلیل، تبیین و نهایتاً تثبیت این گفتمان، عمل می‌کند. گفتگوها در این برنامه را باید عموماً کنش‌های گفتمانی تلقی نمود که با اعطای نقش قدرتمند به میزبان، انتخاب میهمان بر مبنای هویت علمی، سیاسی و اجرایی آن‌ها، انتخاب موضوع گفتگو، حضور، میزان و اشکال مشارکت مخاطبان، نظم گفتمانی خاصی را برساخت می‌کند. با قرار گرفتن «اسلام‌سیاسی» در پراکنش تمام قواعد، دال‌ها، گزاره‌ها و احکام گفتمانی که در نسبت با این گفتمان صادر می‌شود، بر وجه ایجابی و سازنده بودن اسلام‌سیاسی دلالت دارد و التزام به مبانی آن ضروری و مطلوب ارزیابی می‌شود و تخطی از قواعد آن ناممکن و ناصواب قلمداد می‌شود. اسلام‌سیاسی هویت برتر انسان‌ها را هویت دینی مفروض می‌دارد و هویت جنسی، ملی، قومی و ... را تابعی از هویت دینی ثابت و تمامیت یافته تلقی می‌کند. در این برنامه گشودگی و چندپارگی سوژه‌ها مطرود می‌شود و سوژه‌ها درگیر چارچوب‌های معینی می‌شوند که کنشگری آن‌ها، مقید به اصول تعریف‌شده منظومه فکری خاص است. با توجه به اینکه در دال‌های استقرار یافته در منظومه گفتمانی اسلام‌سیاسی، اجماع و توافق وجود دارد و رسالت آن معرفتی آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان امری جهان‌شمول برای کل بشریت است، با اندیشه‌های پلورالیسم زاویه پیدا می‌کند. در نتیجه در این برنامه قواعد اسلام‌سیاسی به همه قلمروها و حیات بشری تسری داده می‌شود.

منازعات گفتمانی متون نخبگانی

در مجله تصویری زاویه به لحاظ مباحث نظری، بخش قابل توجهی از موضع‌گیری‌های کارشناسان و نخبگان برنامه، متمرکز بر بازتولید گفتمان اسلام‌سیاسی و پیگیری مجدانه آرمان‌ها و اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی و استقرار تمدن اسلامی در سطح منطقه و جهان است؛ اما با مطالعه عمیق قسمت‌های مختلف این برنامه، ملاحظه می‌شود که متناسب با بازنمایی کلان گفتمان اسلام‌سیاسی، کار ویژه ثانویه بر این برنامه حاکم است و در ساحت عمل، گفتمان انقلاب اسلامی و اکاوی کردارهای گفتمانی کارگزاران جمهوری اسلامی را به بوته نقد می‌کشد. در لایه رویین، چنین رویکردی را می‌توان در راستای تضارب‌آرا خوانش کرد؛ لیکن وجه گفتمانی این رویکرد با عنایت به اهداف پژوهش حاضر، قابل تأمل است.

هر نظام سیاسی در معرض تهدیدهای هویتی و گفتمانی قرار دارد و منظومه گفتمانی آن پیوسته به چالش کشیده می‌شود. یکی از سازوکارهایی که از رهگذر آن گفتمان‌ها می‌توانند به مستحکم‌سازی منظومه فکری خود بپردازند؛ نقد درون گفتمانی است که مطابق آرا لاکلا و موف ذیل بی‌قراری‌های گفتمانی معنا می‌یابد. در واقع بی‌قراری به بحران‌ها و حوادثی اشاره دارد که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد. با این حال، بی‌قراری‌ها با کارکرد دوگانه‌ای که دارند هم می‌توانند مفصل‌بندی جدید و مطابق با شرایط بیرونی از گفتمان ارائه کنند و سوژه‌های متفاوتی را شکل دهند و هم از چنان ظرفیتی برخوردارند که در خدمت بازسازی، ترمیم و تعالی گفتمان قرار گیرد. نقد درون گفتمانی از سوی عاملان و مدافعان گفتمان، شکاف‌های گفتمانی را در جهت شبه‌زدایی پوشش می‌دهد و به بازتولید گفتمان یاری می‌رساند. مجله تصویری زاویه نیز با اولویت قرار دادن رویکرد انتقادی در عرصه عمل، شکاف‌های انقلاب اسلامی را رویت‌پذیر می‌کند تا به واسطه این رویه، از لغزش دال‌های اصلی و هویت‌بخش آن ممانعت به عمل آورد. همچنین از طریق پاسخگویی درون گفتمانی به شبهات و بحران‌های گفتمان انقلاب اسلامی شرایطی فراهم می‌شود تا تغییر و قرائت‌های مختلف و معارض با دال‌های این گفتمان حادث نشود. نکته حائز اهمیت آن‌که اگر امکان نقد درونی گفتمانی فراهم نباشد، خلاءهای گفتمانی به واسطه آماج گفتمان‌های رقیب روزه‌روز فراخ‌تر و مسئله‌برانگیزتر رخ می‌نماید. در این میان، مجله تصویری زاویه به عنوان برنامه معرفتی سیمای جمهوری اسلامی ایران که همواره به طرق مختلف چندصدایی و تضارب‌آرا را پیش می‌کشد، همگام با سایر عاملان گفتمان انقلاب اسلامی، این رسالت را بر عهده دارد و با طرح و بسط نقدهای سازنده در چارچوب بحث و گفتگو، نظام جهان‌بینی اسلام‌سیاسی را در معرض ارزیابی، اصلاح و بازتولید قرار می‌دهد.

طبق متون بررسی شده در این پژوهش، عموماً کارشناسان بر این باورند، سیاست‌گذاری‌های دولت‌های مستقر در دوره‌های مختلف، از مسیر اصیل گفتمان انقلاب اسلامی فاصله گرفته‌اند و به واسطه این انحراف‌ها، بی‌قراری‌های متعددی بر گفتمان انقلاب اسلامی وارد شده است؛ از همین رو، در این برنامه، از چالش‌هایی نام برده می‌شود که ریشه‌ها و علل آن به گفتمان انقلاب اسلامی الصاق نمی‌شود؛ بلکه مطالعه آن، در نسبت دولت‌ها و نحوه سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های نظام، مدنظر قرار می‌گیرد. حکمرانی بد و حکمرانی خوب، دوگانه‌ای است که از رهگذر چنین انتقادات گفتمانی، صورت‌بندی می‌شود. در حالی که حکمرانی خوب

مترادف و همراستا بودن با گفتمان انقلاب اسلامی و حرکت در مسیر اصیل انقلاب است، حکمرانی بد به زنجیره‌ای از ناکارآمدی‌های دولتی، بی‌کفایتی، عدم راهبری، شکست و ضعف‌های نهادی، چالش‌های اقتصادی منوط می‌شود که ابرچالش‌هایی را به همراه دارد که می‌تواند مشروعیت و قداست گفتمان انقلاب اسلامی را به تنگنا رساند. ذکر این نکته ضروری است؛ هر چند در این برنامه در خصوص نحوه زمامداری مسئولان به شکاف‌های متعددی اشاره می‌شود که برای حل آن‌ها باید چاره‌جویی شود، اما باید گفت این موضع‌گیری‌ها تنها در صورتی انعکاس رسانه‌ای می‌یابند که ذیل گفتمان انقلاب اسلامی، صورت‌بندی شوند و طرح رسانه‌ای آن در خدمت ترمیم و مشروعیت‌افزایی گفتمان مسلط برنامه باشد.

بدیهی است چنین پالایش گفتمانی، سوژه‌های ذیل گفتمان را مجاب می‌سازد که همواره بازاندیشی و رفع شکاف‌های گفتمانی را در دستور کار قرار دهند و در نهایت به مدد این استراتژی، فرایند تثبیت گفتمان در اذهان سوژه‌ها، تسهیل شود.

درواقع این برنامه با فراهم نمودن شرایط گفتگو و مناظره با نمایندگان گفتمان مسلط و گفتمان‌های رقیب، کارکرد دوگانه به خود می‌گیرد از یک سو با افشای شکاف‌های گفتمانی، توجه مدافعان این گفتمان را به خود جلب می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌ای مهیا می‌شود که مفاهیم و دقایق گفتمانی انقلاب اسلامی در ذهن سوژه‌های انسانی رسوب نماید و از رهگذر آن، فرایند طرد غیرهای گفتمانی رقم خورد. خلأ چنین رویکردی در هر گفتمان، شرایط را برای زوال و اضمحلال گفتمان فراهم می‌سازد و می‌تواند در بلندمدت، اعتبار و اقتدار گفتمان مورد نظر را به چالش بکشد؛ اصطلاحی که لاکلا و موف برای توصیف این وضعیت به کار می‌برد کسوف گفتمان است. نتیجه آنکه، بی‌قراری‌هایی که در این برنامه مطرح می‌شود به پالایش، بازخوانی، بازتولید و به روزرسانی اندیشه‌های گفتمان انقلاب اسلامی منتهی می‌شود و از به حاشیه رانده شدن گفتمان مسلط، جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، باید گفت نقدهایی که این برنامه ارائه می‌کند، نقدهایی است که بیش از آن که وجه سلبی داشته باشد، وجه ایجابی دارد. شایان ذکر است که انتقادهای درون گفتمانی که صورت‌بندی می‌شود، شکاف‌های گفتمان مسلط را در سطوح غیر مسئله‌ساز مطرح می‌سازد. به بیان دیگر، این رویکرد، به اعتبار دال‌ها و مضامین محوری می‌انجامد و مضاف بر آن، چهره مثبت و کارآمد از گفتمان اسلام‌سیاسی ترسیم می‌کند.

منابع و مأخذ

- آقاحسینی علیرضا و حسین روحانی (۱۳۹۱). «واکاوی گفتمان سنت‌گرای سید حسین نصر»، مجله دانش سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲: ۳۲-۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهرروز لک، بهروز (۱۳۸۵). «اسلام سیاسی و جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳: ۱۷۱-۱۴۵.
- تاجیک محمدرضا (۱۳۸۶). «هگل و رابطه ایران و آمریکا»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۲: ۱۵۱-۱۳۵.
- حبیبی، فاطمه (۱۳۹۲). بازنمایی گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در سیمای ملی (مطالعه موردی برنامه‌های صبحگاهی تلویزیون). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- دریغوس، هیوبرت، رابینو، پل (۱۳۷۹). میشل فوکو فرانسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: انتشارات نی.
- ذالفقاری، سیدمحمد (۱۳۹۰). «بازخوانی اسلام سیاسی در تونس»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۶: ۵۱-۱۵.
- روشندل اربطانی، طاهر و مهسا زارع (۱۳۹۸). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افت مخاطبان تلویزیون جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رسانه، شماره ۱: ۳۸-۲۱.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نی.
- شپیرو، جان سالوین (۱۳۸۰). لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز. شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۸). «لیبرالیسم و اسلام»، کتاب نقد، شماره ۵۰ و ۵۱: ۳۲۳-۲۹۱.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۶). ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: هرمس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۷۵). «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۱۰۴-۱۰۳: ۵۲-۴۷.
- علی‌اصفهانی، اعظم (۱۳۹۴). «نقش تلویزیون در ایجاد و تقویت فضای عمومی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرنگاران ارتباطی و مدیران رسانه». فصلنامه رسانه، شماره ۲: ۱۴۰-۱۱۹.
- فیلیس، لوئیژ، یورگسن، ماریان (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیل، تهران: نی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۵). عصر ارتباطات، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، تهران: طرح نو.
- کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، شماره ۳: ۳۶۰-۳۳۹.
- گرگی، ابراهیم و سجاد برخوردار (۱۳۸۸). مبانی رو تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: ثالث.

گفتمان کاوی برنامه معرفتی تلویزیون؛ مورد مطالعه: مجله علوم انسانی زاویه

قجری، حسینعلی (۱۳۹۶). *منازعات گفتمانی در آستانه انقلاب اسلامی ایران*. تهران: جامعه‌شناسان. مقدمه، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *معرفت فرهنگی و اجتماعی*، شماره ۲: ۱۲۴-۹۱.

معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی دفتر تشکیلات و سیستم‌ها (صداوسیما) (۱۳۸۴). *درآمدی بر مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌سازی سیما چشم‌اندازی بر واژگان تخصصی تلویزیون*.

مهدی‌زاده سیدمحمد (۱۳۹۵). *تحلیل کیفی و گفتمانی برنامه پرگار*. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

میرفخرایی، تژا (۱۳۸۵). *مفاهیم نظری و عملی خبر تلویزیونی*. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

نصری، عبدالله (۱۳۸۲). *گفتمان مدرنیته نگاهی به برخی جریان‌های فکری معاصر ایران*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

هنری، یدالله و علی آزرمی (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران براساس نظریه گفتمان لاکلا و موف»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۸: ۱۱۸-۹۵.

یحیایی، سبحان (۱۳۹۵). *برون ایستادگان قلمرو رسانه‌های رسمی در ایران مطالعه چپستی، چگونگی و چرایی برون ایستادگی از مرز پیام‌های دولتی*. رساله دکترای دانشگاه علامه طباطبایی.

Armstrong, k (2000). *The battle for god: fundamentalism in Judaism, Christianity and Islam*. London harper Collins.

Briggs, matt (2010) *television audiences and everyday life*. Open university press.

laclau & mouffe, C (1985) *hegemony and socialist strategy: toward a radical democratic politics* London: verso.

Rahman, A. (2012). Television and public sphere in Bangladesh: An uneasy relationship. *Media Asia*, 39(2), 83-92.

Wodak, Ruth (2010) the glocalization of politics in television: fiction or reality? *European journal of cultural studied*, 13(1). 43-62